

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی  
د ستراتژیکو او سیمه ییزو څیړنو مرکز



## تحلیل هفته

شماره: 39 (از 29 سرطان الی 5 اسد 1392 هـ ش)

این نشریه مجموعه از تحلیل واقعات مهم در طول یک هفته است که توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی جهت تحلیل وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور تهیه و نشر میگردد تا نهاد ها و مراجع مختلف از آن مستفید گردند.

### آنچه درین نشریه می خوانید:

#### بخش سیاسی

1. سفر مشاور امنیت ملی و بین المللی پاکستان به کابل

• سرتاج عزیز: پاکستان نمی تواند موفقیت صلح در افغانستان را تضمین کند

2. امضای توافقنامه امنیتی تا هفتاد روز دیگر

• رئیس ستاد لوی درستیزهای امریکا: توافقنامه امنیتی میان کابل و واشنگتن باید تا اکتوبر امضا شود

## بخش سیاسی

### سرتاج عزیز به کابل آمد

سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی و بین‌المللی نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان با پیام نقش آفرینی اسلام آباد در روند گفتگوهای صلح و بهبود روابط میان دو کشور به کابل آمد.



### دست‌آورد ها و پیامدهای این سفر

احمدضیاء رحیمی تحلیل‌گر قضایای سیاسی:

شاید هیچ کسی در این امر تردید نداشته باشد که نقش پاکستان در پروسه صلح افغانستان خیلی مهم و حیاتی شمرده می‌شود و

اگر پاکستان صادقانه تلاش نماید می‌تواند بخش بزرگی از مشکلات موجود و جنگ در افغانستان حل و فصل شده می‌تواند.

اما آنچه در مورد نتایج سفر اخیر سرتاج عزیز به کابل مهم شمرده می‌شود این است که این سفر درست زمانی اعلان شد که جان کری وزیر امور خارجه امریکا مصروف بازدید از اسلام آباد بود و به این ترتیب به سادگی می‌توان دریافت که در عقب این سفر مشاور بلند رتبه صدر اعظم پاکستان به کابل، پس از آنکه تنش‌ها بین این دو کشور روی پروسه صلح افغانستان و گشوده شدن دفتر قطر برای طالبان پدید آمد، دست‌های از بیرون نیز دخیل بودند.

حال از یک سو پس از سفر سرتاج عزیز به کابل مقامات کابل می‌گویند که حامد کرزی ضمن پذیرفتن دعوت صدر اعظم پاکستان، بر شرایط قبلی خود در مورد حاصل خیز بودن مذاکرات دوجانبه و شامل ساختن موضوع مبارزه مؤثر و جدی علیه تروریسم و مذاکرات صلح در صدر برنامه سفر حامد کرزی به پاکستان تأکید دارند، ولی در عین حال روزنامه انگلیسی "دی نیوز" چاپ اسلام آباد از قول منابع دیپلماتیک در آن کشور می‌نگارد که در مذاکرات حامد کرزی و سرتاج عزیز که به گفته این منابع به زبان پشتو صورت گرفت، هیچ شرط و شروطی برای پذیرفتن این دعوت، چنانکه در رسانه‌ها منعکس شده، مطرح نشده است و در عوض، محور گفت‌وگوهای دو جانب روی موضوع آمادگی برای برگزاری نشست نواز شریف و حامد کرزی در اسلام‌آباد بوده است.

اگر بپذیریم که سرتاج عزیز مؤفق شده نارضایتی حامد کرزی و تیم همراهش از پاکستان را که در این اواخر شدت بیشتری کسب کرده، رفع ساخته و رئیس‌جمهور افغانستان آن‌گونه که رسانه‌های پاکستانی گزارش می‌دهند، برای سفر بدون قید و شرط به اسلام‌آباد تن در داده است، طبیعی است که سفر سرتاج عزیز برای پاکستان پر دست‌آورد بوده است، اما اینکه جانب افغانی در این مذاکرات و این دید وادیدها چه بدست خواهد آورد و آیا حکومت ملکی جدید در پاکستان خواهد توانست نظامیان قابض بر سیاست و روابط خارجی آن کشور را به تغییر در مواضع شان در قبال

افغانستان سازد، تا بتوان توقعی از سفر یک ماه بعد حامد کرزی به اسلام آباد را داشت، سوالاتیست که باید انتظار داشت تا گذشت زمان به آن چه پاسخ می‌دهند.

### وحید مژده آگاه امور سایسی:

به نظر می‌رسد که روابط افغانستان و پاکستان بعد از بقدرت رسیدن حزب مسلم لیگ نواز در مقایسه با حکومت حزب مردم سرد تر و پر چالش تر است. این روابط زمانی به سردی بیشتر گرائید که سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی و روابط خارجی حکومت پاکستان در ملاقات با محمد عمر داودزی سفیر افغانستان در اسلام آباد، در مورد گزینه سپردن بعضی از ولایات افغانستان به طالبان سخن گفت و در مقابل رئیس جمهور کرزی پاکستان را به تجزیه طلبی در افغانستان متهم کرد.

هرچند حکومت افغانستان این مسئله را بصورت جدی مطرح کرد و رسانه های افغانستان هم در مورد آن زیاد نوشتند و از پاکستان به انتقاد پرداختند اما رسانه های پاکستان هیچ توجهی به این مسئله نشان ندادند. گفته می‌شود که حکومت پاکستان به رسانه های این کشور دستور داده است تا در برابر مطالب ضد پاکستانی رسانه های افغانستان عکس العمل نشان ندهند.

در چنین شرایطی سفر سرتاج عزیز به کابل را نمی‌توان یک سفر موفق خواند زیرا از قبل ذهنیت ها در افغانستان در مورد وی مثبت نیست.

از طرف دیگر پاکستانی ها در طول چندسال اخیر دست به مانور هائی زده اند که هدف از آن نشان دادن نفوذ فوق العاده آنان در میان طالبان افغان بوده است. هدف از قدرت نمائی از جانب پاکستانی ها، بدست آوردن امتیاز از امریکا بوده و ناگفته پیداست که مقامات پاکستانی در این کار موفقیت هائی هم داشته اند. بخصوص اظهارات پیهم دولت افغانستان مبنی بر اینکه اگر پاکستان در پروسه صلح بصورت صادقانه همکاری نماید، مشکل افغانستان حل خواهد شد، آب در آسیاب منافع پاکستان ریخته است.

هرچند هدف مقامات افغانی از تاکید بر نقش پاکستان در ناامنی های افغانستان، تاکید بر حمایت اسلام آباد از تروریسم بود، اما تکرار اتهامات از جانب حکومت افغانستان مبنی بر اینکه مراکز تروریست ها در خاک پاکستان است، هیچ تاثیری بر سیاست های امریکا و غرب در برابر پاکستان نداشت و فشاری که دولت افغانستان انتظار داشت، از جانب امریکا و غرب بر پاکستان وارد نکرد.

این نکته را باید در نظر گرفت که میزان نفوذ پاکستان بر طالبان در حدی نیست که دولت مردان این کشور وانمود می‌سازند بخصوص این نفوذ در بخش سیاسی و پروسه صلح چشمگیر نیست و در مورد این نفوذ در گذشته نیز سخت مبالغه شده است. اگر پاکستان بر طالبان از چنان نفوذ گسترده برخوردار می‌بود، پس چرا در دوران حاکمیت طالبان، پاکستانی ها نتوانستند ملا محمد عمر را وادار سازند تا اسامه بن لادن را به امریکا تحویل بدهد و از این راه حکومت طالبان که به نفع پاکستان بود، در افغانستان برقرار باقی بماند؟ مگر نمی‌گویند که پاکستان در صدد بازگرداندن طالبان به قدرت است تا منافع پاکستان را تامین نمایند؟ پس چرا در آن زمان طالبان را وادار به این کار ننمود تا هم امارت اسلامی طالبان بر سر قدرت باقی می‌ماند و هم پاکستان به اینهمه مشکلات مواجه نمی‌شد؟

پاکستان هنوز قادر به حل مشکل خود با طالبان خود نشده است، چگونه می‌توان انتظار داشت که مشکل افغانستان با طالبان را حل کند؟ پاکستان مشت بسته خود را به جهان نشان می‌دهد و می‌گوید که طالبان افغان را در مشت دارد

اما نمی خواهد مشت خود را باز کند. زیرا اگر این مشت باز شود، حقیقت آشکار خواهد شد و دیگر امتیازی در کار نخواهد بود.

از جانب دیگر پاکستان با این بزرگ نمائی، روابط خود با افغانستان را به مشکل مواجه ساخته است. به این معنی که میزان توقعات حکومت افغانستان از پاکستان را در تامین صلح در افغانستان بشدت بالا برده که همین مسئله در طول چند سال گذشته عامل اصلی در تنش روابط میان دو کشور بوده است. حالا اگر پاکستان به این مسئله اعتراف نماید که میزان تاثیرگذاری اش بر طالبان محدود است، جانب افغانی نمی پذیرد و آنرا نشانه ای از عدم صداقت پاکستان می داند.

کممک به جنگ و ناامنی در کشوری چون افغانستان، تا زمانیکه یک گروه ناراضی در آن کشور وجود داشته باشد، کار دشواری نیست اما چنین کممک الزاما به معنی نفوذ کامل و تحت سلطه داشتن ابدی چنین گروهی نیست. مثال عمده آن مجاهدین افغان اند که چهارده سال از کممک های همه جانبه از جانب پاکستان برخوردار بودند اما بعد از بازگشت به کشور، در مخالفت با اهداف پاکستان قرار گرفتند.

## سرانجام پاکستان اعتراف کرد

ذاکر جلالی، ناظر مسائل سیاسی:



یکی از موانع اصلی فرا راه روابط حسنه میان افغانستان و پاکستان، توقع همکاری بیش از حد افغانستان از پاکستان در روند صلح است. سرانجام آقای عزیز در سفرش واضح ساخت و به نحوی اعتراف کرد که کشورش با طالبان روابط دارد، ولی آنها را کنترل نمی کند و نمی تواند موفقیت صلح را تضمین کند.

از بدو آغاز پروسه ای به نام صلح، حکومت آقای کرزی همواره روی نقش پاکستان تأکید ورزیده است. این حکومت آقای کرزی و دیپلوماسی ناکام اش است که از پاکستان کشور کلیدی در راه صلح ساخت. این چیزی است که پاکستان در پی آن است و با استفاده از رهبری ضعیف سیاسی در افغانستان به سادگی این نقش را از آن خود ساخته است. نماینده های ملامحمد عمر مجاهد جهت گفتگو در قطر دفتر باز می کنند، اما آقای کرزی مخالفت می کند. عوض این که حکومت کرزی در پی برقراری روابط با نماینده های واقعی مقیم قطر شود، به مخالفت می پردازد و سرانجام بار دیگر عین اشتباه را تکرار می کند و به دامان پاکستان پناه می برد و برای باری دیگر خواستار همکاری می شود. زلمی رسول، وزیر خارجه افغانستان در نشست خبری گفت: "دولت کنونی افغانستان، تنها دولتی بوده است که بیشترین تلاش ها را برای بهبود روابط با پاکستان انجام داده است. اما تا کنون این تلاش ها آنطور که افغانستان انتظار داشت، نتیجه نداده است." متأسفانه تحلیل گران کابل و حکومت کرزی فقط از رهگذر اتهام طالبان به غلامی پاکستان پیش

آمده اند. این اتهام، آرام آرام به باور ایشان مبدل گشته است. حالا فکر می‌کند که جز همکاری پاکستان دست یافتن به صلح ممکن نیست. این در حالی است که با وجود این که به پاکستان این نقش را می‌دهد، به امید فشار بر پاکستان تلاش می‌ورزد که با هندوستان روابط استراتژیکی برقرار نماید.

دست‌اندرکاران سیاست خارجی افغانستان از یک دهه بدینسو به این گمان غلط دل خوش کرده اند که خواهند توانست از طریق آمریکا بر پاکستان فشار وارد نمایند. حالا این مسأله به حد کافی واضح است که آمریکا به هیچ وجه حاضر نیست به خاطر افغانستان بر پاکستان فشار وارد نماید. آمریکا در این منطقه‌ای از جهان نیازها، اهداف و اولویت‌های خود را دارد. پیروزی دیپلوماسی افغانستان این است که با پاکستان کنار بیاید و مسایل مورد تنش دو طرف را از طریق گفت‌وگو و مذاکرات واضح و مستقیم حل نمایند.

## امریکا: توافقنامه امنیتی میان کابل و واشنگتن باید هرچه زودتر امضا شود



جنرال مارتین دمپسی رئیس ستاد لوی درستیز های امریکا در سفر اخیر خویش به کابل گفت که امریکا در تلاش است تا قرارداد امنیتی با افغانستان در مدت هفتاد روز یعنی تا ماه اکتوبر به امضا برسد.

وی شام دوشنبه در کنفرانس مطبوعاتی در کابل اظهار داشت که در این رابطه گفتگو های مثبتی با رئیس جمهور کرزی داشته است. وی گفت که امریکا در تلاش است تا این قرارداد هرچه زود تر به امضا

برسد تا زمینه حضور نظامیان امریکائی بعد از سال 2014 در افغانستان فراهم گردد.

دمپسی در جواب به این سوال که آیا امریکا در مورد گزینه صفر یعنی خروج تمام نیروهایش بعد از سال 2014 از افغانستان چه تصمیمی گرفته است گفت که در این مورد هنوز فیصله نهائی صورت نگرفته است اما اگر گفتگو ها میان امریکا و حکومت افغانستان بر سر امضای پیمان امنیتی به نتیجه نرسد، شاید امریکا تمام نیروهایش را بعد از سال 2014 از افغانستان خارج سازد.

حدود یک ماه قبل و بدنبال گشوده شدن دفتر طالبان در قطر تحت عنوان و بیرق امارت اسلامی افغانستان، حامدکرزی مذاکرات بر سر پیمان امنیتی با امریکا را به حالت تعلیق درآورد و در ملاقات روز 12 سرطان در ملاقات با سناتور جان مک کین و سناتور لیدنسی گراهام، کرزی از تعلیق این مذاکرات دفاع کرد و گفت که این قرارداد در صورتی به امضا خواهد رسید که خواست های حکومت افغانستان پذیرفته شود. در این ملاقات وی گفت که اعتماد مردم افغانستان به امریکا خدشه دار شده و امضای این پیمان با امریکا وابسته به تامین صلح و تضمین یک افغانستان متحد دارای یک نظام مرکزی قوی خواهد بود.

رئیس جمهور کرزی گفته است که وی پیغام خود را توسط دو سناتور مذکور به اطلاع حکومت امریکا رسانیده و از آنان خواسته است تا در جهت اعتماد سازی میان دو کشور تلاش نمایند.

### وحید مژده:

سفر جنرال دمپسی به کابل نوعی فشار تازه بر حکومت افغانستان تلقی می شود به این معنی که شرایطی که حامدکرزی برای امضای این توافق نامه مطرح کرده است عملی نشده و جنرال دمپسی بدون اشاره به شرایط مطرح شده از جانب حکومت افغانستان، برای امضای این قرارداد ضرب الاجل تعیین می نماید.

به نظر می رسد که گزینه صفر چون چماقی از جانب امریکا بر سر حکومت افغانستان سایه افکنده است و رسانه های داخلی وابسته به امریکا در افغانستان هر روز در تلاش اند تا با ایجاد نگرانی از وضع بعد از سال 2014 این فشار را در داخل هم افزایش دهند.

کسانی هستند که با توجه به خطرات بعد از سال 2014 به این باور اند که باید حامدکرزی این قرارداد را بدون توجه به جزئیات آن و آنچه که منافع ملی افغانستان تلقی می شود امضا نماید. منافع ملی افغانستان فقط در این است که ما امریکا را به هر شکل ممکن در کنار خود داشته باشیم.

وقتی رئیس جمهور تاکید بر تامین صلح و یک پارچگی افغانستان بعنوان پیش شرط های این قرارداد دارد، این پیش شرط ها از جانب بعضی از جهت ها بعنوان فشار از جانب کرزی به امریکا تلقی می شود تا امریکا دوام حضور تیم کرزی بعد از سال 2014 را به مسند قدرت بپذیرد.

اما رابطه با بازی امریکا در افغانستان بعد از سال 2014 مسایلی وجود دارد که فقط حامد کرزی و افراد نزدیک به وی از آن مطلع اند. روزنامه نیویارک تایمز که از جمله روزنامه هائی است که منعکس کننده نظر غیر رسمی حکومت امریکا بشمار می آید، بعد از سفر دمپسی به کابل، از امکان تجزیه بعنوان راه حل معضل افغانستان از طریق سپردن اداره بعضی از ولایات شرق و جنوب به طالبان سخن می گوید. بنابراین تاکید کرزی بر اینکه امضای این پیمان با امریکا وابسته به «تامین صلح و تضمین یک افغانستان متحد دارای یک نظام مرکزی قوی خواهد بود» نباید زیاد هم به قدرت طلبی خود وی و تلاش در جهت ادامه سلطه تیم وی بر مسند قدرت بعد از سال 2014 رابطه داده شود. شاید کرزی خطری را حس کرده که اینگونه با امریکا سر ناسازگاری دارد و حتی از جانب امریکائی ها تهدید به مرگ شده است.

گزینه تجزیه افغانستان که نخستین بار چندسال قبل زیر عنوان «پلان بی» از جانب رابرت بلک ول یک دیپلمات پیشین امریکا مطرح شد، در ابتدا فقط یک نظر شخصی به حساب آمد اما اکنون به تدریج شکل جدی تر را بخود می گیرد.

**آقای مژده در پاسخ به اینکه چرا امریکائی ها تلاش دارند تا این قرارداد را با حامد کرزی به امضا برسانند گفت:**



حامد کرزی از نظر امریکائی ها آخرین زمامدار در افغانستان است که بصورت نسبی می تواند یک رئیس جمهور منتخب مردم بشمار آید که طولانی ترین دوران زمامداری را بحیث رئیس جمهور در افغانستان داشته است. امریکائی ها می دانند که انتخابات آینده در افغانستان یا ناممکن است و یا حتی اگر دایر هم گردد، به اندازه آخرین انتخابات ریاست جمهوری که حامد کرزی برای دومین بار به کرسی ریاست جمهوری رسید هم از مشروعیت برخوردار

نخواهد بود. بنابراین با امضای توافق نامه امنیتی با وی می خواهند به زعم خودشان بیشترین مشروعیت را برای این توافق نامه بمیان آورند تا در آینده کسی به مشروعیت این قرارداد اعتراض نکند.

امریکائی ها نمی خواهند تضمینی برای وحدت جغرافیائی افغانستان بدهند و قصد دارند تا تجزیه را بعنوان گزینه ای از جانب خود افغانها برای حل بحران در این کشور عنوان نمایند که امریکا به این خواست مردم احترام می گذارد.

مشکل بزرگ فرا راه این برنامه موضوع کوهستانی بودن و در نتیجه ایجاد مرز میان این مناطق و از همه مهمتر مشکل حفظ این مرز است. اینکه امریکا می خواهد بعد از سال 2014 تعدادی از نیروهایش را در افغانستان نگهدارد شاید یک دلیل آن حفظ همین مرز میان دو افغانستان توسط همین نیروها باشد.

اما آنچه که موفقیت این برنامه امریکا را بشدت زیر سوال می برد، موقف طالبان است. طالبان بارها گزینه سپردن بخشی از افغانستان به این گروه را بعنوان راهی برای حل مشکل افغانستان رد نموده اند.

**خانم فاطمه نظری عضو مجلس نمایندگان** در مورد می‌گوید: آمریکا در جهت تامین منافع خود، تفاهم نامه امنیتی را به هر قیمت ممکن به امضا خواهد رساند. این کشور تمامی شرایط را بررسی می‌کند و در نهایت این پیمان را به گونه ای به امضا خواهد رساند که هیچ نقص قانونی برای آینده وجود نداشته باشد. این کشور تنها به دنبال کاهش تعداد قربانیان خود است. در شرایط فعلی آمریکا هیچ دستاوردی در کشور ما نداشته است و بیشترین هزینه ها را برای نیروهای خود مصرف نموده است .

خانم نظری افزود کارهای سطحی که صورت گرفته است برای بقای افغانستان تاثیری ندارد و جهت ابقای این نیروها و تامین امنیت شان صورت گرفته است.

وی افزود: درست است که ما اردو داریم اما این نیروها سلاح کافی در اختیار ندارند. کارهای بنیادی در کشور در زمینه های مختلف امنیتی، اقتصادی و سایر مسایل صورت نگرفته است و کمک های جامعه جهانی به گونه ای بوده است که اگر امروز کشور را ترک کند، افغانستان دیگر توان ایستادن روی پای خود را نخواهد داشت و مجدداً به نقطه صفر خواهد رسید. متأسفانه جامعه جهانی ماهیگیری را آموزش نداد بلکه برای ما، ماهی گرفت. جامعه جهانی و در راس آن آمریکا به مردم ما خیانت کرده اند .

جامعه جهانی و آمریکا کمک های خود به کشور ما را به گونه ای انجام داده اند که بقای خود را در کشور ما تضمین کنند تا ما همواره نیازمند این کشورها باشیم.

---

**[WWW.CSRSKABUL.COM](http://WWW.CSRSKABUL.COM)**